

خداوندا، سپاس ما را برای قرآن
بپذیر

فقط خدا - فقط قرآن

سوره قصص - سوره 28

سوره قصص

این سوره را بشنوید

مکی و شامل هشتاد و هشت آیه

بنام خداوند بخشنده مهربان

- 001- طسم.
- 002- این آیات کتاب روشن و روشن کننده است.
- 003- داستان موسی و فرعون را برای افرادی که ایمان دارند بحق بر تو میخوانیم.
- 004- فرعون در سرزمین مصر قدرت یافت و مردم مصر را چند دسته کرد. دسته‌ای از آنها را ضعیف میکرد، پسرانشان را میکشت و دخترهایشان را زنده میگذاشت. او از خرابکاران بود.
- 005- ما خواستیم بر کسانی که در زمین ضعیف شده بودند، منت بگذاریم و آنها را پیشوایانی سازیم و آنها را وارث زمین کنیم.
- 006- و آنها را در زمین بقدرت برسانیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، همان چیزی را که از آن میترسیدند، نشان دهیم.
- 007- و به مادر موسی وحی کردیم که به موسی شیر بده، و وقتی به حال او ترسیدی او را در دریا بینداز و نترس و غصه نخور. ما او را بتو برمیگردانیم و او را از پیغمبران میسازیم.
- 008- خانواده فرعون موسی را از آب گرفتند تا دشمن و مایه غصه آنها شود. چون فرعون و هامان و لشکریانش خطاکار بودند.
- 009- زن فرعون گفت این بچه موجب شادی من و تو است، او را نکشید، شاید برای ما مفید باشد یا او را بفرزندی بپذیریم. در صورتیکه توجه نداشتند که چه میکنند.
- 010- دل مادر موسی راحت شد. اگر به دل او نینداخته بودیم که خاطر جمع باشد، نزدیک بود مادر بودن خود را آشکار بکند.
- 011- مادر موسی به خواهر وی گفت دنبال او برو.
- 012- خواهرش رفت و از دور به او نگاه میکرد و خانواده فرعون توجه نداشتند. و قبلاً شیر دایه‌ها را بر موسی حرام کردیم.
- خواهر موسی به آنها گفت آیا خانواده‌ای را بشما معرفی بکنم که او را برای شما نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟
- 013- به این ترتیب موسی را به مادرش برگرداندیم تا چشمش به او روشن شود و غصه نخورد و بداند که **و عده خدا راست است ولی بیشتر افراد نمیدانند.**
- 014- چون موسی به حد بلوغ رسید و قوی شد، به او حکمت و دانش دادیم. ما به نیکوکاران به این طرز پاداش میدهیم.
- 015- موسی وقتی خانواده‌اش از او غافل بودند وارد شهر شد و دو نفر را دید که با هم زد و خورد میکنند. یکی از آنها از دسته او و دیگری دشمنش بود.
- کسی که از گروه او بود، علیه دشمنش از او کمک خواست و موسی او را با مشت زد و او را کشت. موسی با خود گفت این کار، کار شیطان بود. او دشمن گمراه کننده واضحی است.
- 016- و گفت خداوندا، من بخودم ظلم کردم. مرا بیامرز. خدا او را آمرزید. خدا آمرزنده و مهربان است.
- 017- موسی گفت خداوندا، بخاطر نعمتی که بمن دادی دیگر هرگز پشتیبان گناهکاران نخواهم بود.
- 018- روز دیگر در حالیکه میترسید و مراقب بود، در شهر میگشت. ناگهان همان کسی که دیروز از او کمک خواسته بود از او کمک خواست. موسی به او گفت تو واقعاً گمراهی.

- 019- چون خواست به کسی که دشمنشان بود حمله کند، او گفت ای موسی، آیا میخواهی همانطور که دیروز یکی را کشتی مرا هم را بکشی؟ تو میخواهی در زمین زورگو باشی و نمیخواهی از اصلاح کنندگان باشی.
- 020- مردی از دورترین نقطه شهر در حالی که میدوید آمد و گفت ای موسی، بزرگان دور هم جمع شده‌اند و مشورت میکنند که تو را بکشند. فرار کن من خیر تو را میخواهم.
- 021- موسی با حالت ترس در صورتیکه مراقب بود از شهر خارج شد و گفت خداوندا، مرا از شر قوم ستمکار نجات بده.
- 022- چون بطرف شهر مدین رو آورد، گفت امید است که خداوند مرا به راه راست هدایت کند.
- 023- و چون به آب مدین رسید، عده‌ای از مردم را یافت که به حیوانات خود آب میدهند و پشت سر آنها دو زن را دید که گوسفندان خود را عقب میزنند. موسی به آنها گفت چه میکنید؟ گفتند ما به گوسفندان خود آب نمیدهیم، تا وقتی که چوپانهای دیگر خارج شوند و پدرمان پیرمرد سالخورده‌ای است.
- 024- موسی گوسفندان آنها را آب داد.
- بعد بطرف سایه برگشت و گفت خداوندا، من به هر خیری که برای من بفرستی احتیاج دارم.
- 025- یکی از آنها، که با حیا راه میرفت، پیش او آمد و گفت پدرم از تو دعوت میکند تا مزد اینکه گوسفندان ما را آب دادی بتو بدهد. چون موسی پیش او آمد و داستان زندگی خود را برایش شرح داد او گفت نترس، از دست قوم ظالم نجات پیدا کرده‌ای.
- 026- یکی از آنها گفت پدر! او را اجیر کن. چون بهترین مرد، قدرتمند و امین است که میتوانی استخدام کنی.
- 027- او به موسی گفت میخواهم یکی از این دو دخترم را در مقابل اینکه هشت سال برای من کار کنی همسر تو کنم. اگر ده سال را تمام کنی با میل خودت کردی، نمیخواهم بر تو سخت بگیرم. اگر خدا بخواهد مرا از افراد درستکار خواهی یافت.
- 028- موسی گفت این قرار دادی بین من و تو باشد. هر کدام از دو مدت را که تمام کردم ظلمی بمن نخواهد شد و خدا بر قرار دادی که میندیم وکیل است.
- 029- چون موسی مدت را به پایان رساند و با خانواده‌اش حرکت کرد، از طرف کوه طور آتشی دید. به خانواده‌اش گفت صبر کنید. من آتشی دیدم، شاید از آن خبری برای شما بیاورم یا گل آتشی بیاورم تا گرم شوید.
- 030- چون پیش آتش آمد، از طرف راست بیابان در جایی مبارک، از درخت ندا آمد که ای موسی، من خدا هستم، صاحب اختیار تمام مردم جهان. ¹
- 031- عصایت را ببنداز. وقتی موسی عصا را انداخت و دید که مثل ماری حرکت میکند، پا به فرار گذاشت و پشت سر خود را هم نگاه نکرد. خدا گفت ای موسی، برگرد و نترس. تو در امان هستی.
- 032- دستت را در گریبان ببرد تا بدون هیچ گونه مرضی سفید بیرون آید و دست خود را برای رهائی از ترس به خود بچسبان. این دو تا دلیل (معجزه) از خداوند تو برای فرعون و درباریان او میباشد. آنها قوم نافرمانی هستند.
- 033- موسی گفت خداوندا، من یکنفر از آنها را کشته‌ام، میترسم مرا بکشند.
- 034- برادرم هارون از من بهتر حرف میزند، او را بکمک من بفرست تا مرا تصدیق کند. میترسم آنها مرا بدروغگوئی متهم کنند.
- 035- خدا گفت بازوی تو را بوسیله برادرت قوی میکنیم و به شما قدرت میدهیم و با آیات (معجزات) ما بر شما دست نخواهند یافت. شما و پیروان شما بر آنها غلبه خواهید کرد.
- 036- چون موسی معجزات روشن ما را برای آنها آورد گفتند این سحری است ساختگی. ما از پدرانمان چنین چیزی نشنیده بودیم.

- 037- موسی گفت خداوند من کسی را که از طرف او برای شما هدایت آورده و کسی را که خانه آخرت متعلق به او است بهتر میشناسد.
- ستمکاران موفق نمیشوند.**
- 038- فرعون گفت ای بزرگان قوم، برای شما معبودی (کسی که از او بدون چون و چرا اطاعت کنید) غیر از خودم نمی‌شناسم. ای هامان آجر درست کن و کاخی بلند برای من بساز تا من بخدای موسی پی ببرم. من فکر میکنم او دروغگو است.
- 039- او و لشکریانش در زمین بنا حق تکبر داشتند و خیال میکردند آنها را پیش ما بر نمیگردانند.
- 040- ما او و لشکریانش را گرفتیم و بدریا انداختیم.
- نگاه کن عاقبت کار ستمگران چه بود.
- 041- آنها را پیشوایانی ساختیم که مردم را به آتش جهنم میخواندند و روز قیامت کسی به آنها کمک نمیکند.
- 042- لعنت را در این دنیا دنبال آنها فرستادیم و روز قیامت زشت رو خواهند بود.
- 043- پس از نابود کردن پیشینیان به موسی تورات را دادیم که برای مردم وسیله بینائی و هدایت و رحمت باشد، شاید متوجه شوند.
- 044- وقتی مأموریت را به موسی دادیم.
- تو در قسمت غربی کوه طور و شاهد نبودی.
- 045- ولی نسل‌هائی بوجود آوردیم و مدتی طولانی بر آنها گذشت و تو میان مردم مدین ساکن نبودی که آیات ما را بر آنها تلاوت کنی.
- ولی مائیم که پیغمبران را میفرستیم.
- 046- آنوقت که موسی را صدا زدیم، تو کنار کوه طور نبودی ولی این رحمتی از خداوند تو است تا قومی را که قبل از تو پیغمبری برای آنها نیامده از عاقبت کارهای خلاف بترسانی، شاید متوجه شوند.
- 047- اگر بعلت کارهائی که میکردند مصیبتی به آنها وارد میشد میگفتند خداوندا، چرا پیغمبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از افراد باایمان باشیم؟
- 048- ولی وقتی حق از طرف ما برای آنها آمد گفتند چرا معجزاتی که بموسی داده شده به او داده نشده؟ آیا قبلا منکر معجزاتی که بموسی داده شده بود نشدند؟
- گفتند (تورات و قرآن) دو جادو هستند که از هم پشتیبانی میکنند و گفتند ما هیچکدام را قبول نداریم.
- 049- بگو اگر راست میگویند کتابی از طرف خدا بیاورید
- که از این دو کتاب (تورات و قرآن) بهتر راهنمایی کند تا من از آن پیروی کنم.
- 050- اگر حرف تو را قبول نکردند، بدان که آنها از دلخواه خود پیروی میکنند.
- چه کسی همراه تر از کسی است که بدون هدایت الهی از دلخواه خود پیروی کند؟**
- خدا ستمکاران را هدایت نمیکند.**
- 051- ما برای آنها سخنان را بهم پیوستیم، شاید متوجه شوند.
- 052- کسانی که قبلا به آنها کتاب دادیم به آن ایمان می‌آورند.
- 053- وقتی بر آنها خوانده میشود میگویند به آن ایمان آوردیم.
- آن حقیقتی از طرف خداوند ما میباشد. ما قبلا هم تسلیم خدا (مسلمان) بودیم.
- 054- پادش آنها بعلت صبری که داشتند دوبار داده میشود.
- آنها بدی را با نیکی پاسخ میگویند و از آنچه روزی آنها ساخته‌ایم انفاق میکنند.**
- 055- **وقتی سخن بیهوده‌ای میشنوند، از آن رو بر میگردانند.**
- میگویند کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است، سلام بر شما.**
- ما خواهان افراد نادان نیستیم.
- 056- تو هر کسی را که دوست داشته باشی نمیتوانی هدایت کنی، ²
- ولی خدا هر کس را که بخواهد هدایت میکند. او هدایت شدگان را بهتر می‌شناسد.
- 057- گفتند اگر با تو از راه صحیح پیروی کنیم ما را از سرزمینمان بیرون میکنند.
- آیا آنها را در حرم امنی جا نداده‌ایم که هر نوع محصولی به آن آورده میشود؟
- این رزقی از طرف ما است، ولی بیشتر آنها نمیدانند.

- 058- اهالی شهرهای زیادی را که وسائل زندگی مردم آن را سرمست کرده بود نابود کردیم. این خانه‌های آنها است که بعد از آنها فقط عده کمی ساکن آن شدند و ما وارث آن بودیم.
- 059- خداوند تو مردم شهرها را نابود نمیکند مگر اینکه فرستاده‌ای در مرکز آن بفرستد که آیات ما را بر مردم تلاوت کند.
ما فقط شهرهائی را که اهل آن ظالم هستند نابود میکنیم.
- 060- **چیزهائی که بشما داده شده، وسیله استفاده و زینت زندگی دنیا است. در صورتیکه پاداشی که پیش خدا است بهتر و ماندنی تر است. آیا نمی فهمید؟**
- 061- آیا کسیکه وعده پاداش نیک به او داده‌ایم و به آن میرسد مثل کسی است که او را از وسائل زندگی دنیا بهره مند کرده‌ایم و روز قیامت احضار میشود؟
- 062- روزی که خدا آنها را صدا میزند و به آنها میگوید کسانی که خیال میکردید شریک من هستند کجایند؟
- 063- کسانی که قرار عذاب آنها ثابت شده میگویند خداوند، اینها کسانی هستند که ما گمراهشان کردیم همانطور که خودمان گمراه بودیم. ما از آنها بیزار می‌شویم و به تو پناه می‌بریم. آنها ما را بندگی نمی‌کردند.
- 064- به آنها گفته میشود شریکان خودتان را صدا بزنید. آنها را صدا میزنند ولی آنها جوابی به ایشان نمیدهند و عذاب را می‌بینند و آرزو میکنند که کاش هدایت میشدند.
- 065- روزیکه خدا آنها را صدا میزند و میگوید جواب دعوت پیغمبران را چه دادید؟
- 066- در آن روز تمام خبرها از یادشان میرود و از هم سؤال نمیکنند.
- 067- اما کسی که توبه کرده و ایمان آورده و کار صحیح کرده، امید است که رستگار باشد.
- 068- خداوند تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و انتخاب میکند. آنها اختیاری ندارند.
- خدا پاک و بالاتر از چیزهائیکه شریک او میسازند.
- 069- خداوند تو آنچه را در دل مخفی میکنند و آنچه را آشکار میکنند میداند.
- 070- او خدا است.
- معبودی (کسی که بنده و مطیع محض او باشید) غیر از خدا وجود ندارد. در دنیا و آخرت ستایش به او اختصاص دارد. فرمان هم متعلق به اوست و بسوی او برگردانده میشود.**
- 071- بگو نظر شما چیست؟ اگر خدا شب را تا روز قیامت طولانی سازد، آیا معبودی غیر از خدا وجود دارد که روشنائی را برای شما بیاورد؟
آیا نمی‌شنوید؟
- 072- بگو اگر خدا روز را تا روز قیامت طولانی کند چه نظری دارید؟ آیا معبودی غیر از خدا هست که شب را برای اینکه در آن استراحت کنید برای شما بیاورد؟
آیا نمی‌بینید؟
- 073- یکی از رحمت‌های خدا این است که شب و روز را برای شما قرار داد که در شب استراحت کنید و در روز به دنبال روزی بروید تا شکرگزاری کنید.
- 074- روزی که خدا ایشان را صدا میزند و میگوید شریکهائی که برای من تصور میکردید کجا هستند؟
- 075- از بین هر ملتی شاهی جدا میکنیم و میگوئیم دلیل خود را بیاورید و خواهند دانست که حق متعلق به خدا است. آنچه بهم می‌افتنند برای آنها وجود ندارد.
- 076- قارون از قوم موسی بود و به آنها ظلم میکرد و گنجهایی به او داده بودیم که حمل کلیدهای (صندوق‌های) آن برای افراد نیرومند هم سخت بود. وقتی قومش به او گفتند **خودت را گم نکن چون خدا افراد مغرور را دوست ندارد.**
- 077- و با آنچه خدا بتو داده دنبال خانه آخرت برو و سهم خود را هم از دنیا فراموش نکن و **همانطور که خدا بتو نیکی کرده تو هم نیکی بکن و در زمین دنبال فساد نگرد، چون خدا عوامل فساد را دوست ندارد.**

- 078- قارون گفت آنچه بمن داده شده بعلت علم خودم بوده.
آیا نمیدانست که خدا نسلهائی را قبل از او هلاک کرده بود که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟
از گناهکاران درباره گناهشان سئوالی نمیشود.
- 079- قارون آراسته با زیورهای خود به میان قومش رفت.
کسانی که دوستدار زندگی دنیا بودند گفتند
کاش ما هم ثروتی مثل آنچه که به قارون داده شده داشتیم.
او سهم بزرگی از مال دنیا دارد.
- 080- کسانی که حقیقت را میدانستند گفتند وای بر شما، پاداش الهی برای کسی که ایمان آورده و کار درست کرده بهتر است
و فقط افراد با استقامت به آن میرسند.
- 081- ما قارون و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و غیر از خدا کسانی وجود نداشتند که به او کمک کنند
و خودش هم نمیتوانست کاری برای خود بکند.
- 082- کسانی که دیروز آرزوی این را داشتند که جای او بودند میگفتند وای،
مثل اینکه خدا روزی را برای هر يك از بندگانش که بخواهد فراخ یا تنگ میسازد.
اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود ما را هم در زمین فرو میبرد.
مثل اینکه افراد بی ایمان رستگار نمیشوند.
- 083- این خانه آخرت است. آن را برای کسانی ساخته‌ایم که در زمین خواهان برتری و فساد نیستند.
پایان کار بنفع افراد پرهیزکار است.
- 084- **هر کس کارخوب بکند پاداشی بهتر از آن دارد**
و کسی که کار بدی بکند مجازات بدکاران فقط به اندازه کاری که میکردند خواهد بود.
- 085- **کسی که رساندن قرآن را بر تو واجب کرد تو را به معاد برمیگرداند.**
بگو خداوند من کسی را که هدایت آورده و کسی را که در گمراهی آشکاری است بهتر میشناسد.
- 086- **تو امید نداشتی که قرآن جز به لطف خداوندت بتو وحی شود.** **3**
بنابراین پشتیبان افراد بی‌ایمان نباش.
- 087- **تو را از آیات خدا بعد از اینکه بتو نازل شد باز ندارند**
و مردم را به راه خداوندت دعوت کن و از افراد مشرک نباش.
- 088- **و با خدا معبود دیگری را مخوان.** **4**
معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی بکند و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کند)
غیر از خدا وجود ندارد.
هر چیزی از بین رفتی است غیر از ذات او.
حکم کردن (فقط) مال اوست و بسوی او برگردانده میشوید.

پاورقی های این سوره

<p>البته خداوند صاحب اختیار تمام جهان میباشد. جهانی که لا اقل شامل 50 میلیارد کهکشان هست که یکی از آنها کهکشان ما است که شامل 200 میلیارد منظومه شمسی است. ولی وقتی صحبت از عالمین میکند منظور تمام افراد بشر می باشد (رب العالمین) یعنی ارباب و صاحب اختیار همه مردم جهان . به بحث "عالمین" و "حمد" و "رب" در قسمت مقدمه (کلمات اساسی قرآن که دانستن آنها برای فهم درست قرآن لازم است) مراجعه کنید.</p>	1
<p>چون انسان از معلومات و اعتقادات دیگران اطلاع ندارد ولی خدا از آن اطلاع دارد. می بینیم که پیغمبر خدا (ص) هم نمیتواند هرکسی را که خواست هدایت کند. لذا مسلمان این واقعیت را میداند و از بی ایمانی بعضی از افراد و فکر نکردنشان درباره حقیقت دین ناراحت نمیشود.</p>	2

پیغمبر (ص) چنین امیدی نداشت	3
مسلمان واقعی هم کسی را غیر از خدا بکمک نمیخواند. البته منظور از آن کمک خواستن از انسان های زنده نیست	4